

متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۵ حافظ: دل می رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را

غزل ۵ حافظ با دل می رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را آغاز می شود. وزن غزل دل می رود ز دستم، مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن (مضارع مثنی‌اخر) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. شرح و تفسیر برگرفته از کتاب شرح سودی بوسنوی بر حافظ ترجمه دکتر عصمت ستارزاده می باشد.

متن غزل شماره ۵ حافظ

دل می‌رود ز دستم صاحب دلان خدا را

دردا که رازِ پنهان خواهد شد آشکارا

گشتی نَشَسْتِگَانِیم ای بادِ شَرْطِه برخیز

باشد که بازبینیم دیدارِ آشنا را

ده روزه مِهْرِ گردون افسانه است و افسون

نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا

در حلقهٔ گُل و مُل خوش خواند دوش بلبلی

هَاتِ الصَّبُوحِ هَبَّوْا یا آيَهَا السُّكَّارَا

ای صاحبِ کرامت شکرانهٔ سلامت

روزی تَفَقَّدِ کن درویشِ بی‌نوا را

آسایشِ دو گیتی تفسیرِ این دو حرف است

با دوستانِ مُرُوتِ با دشمنانِ مدارا

در کویِ نیک نامی ما را گذر ندادند

گر تو نمی‌پسندی تغییر کن قضا را

آن تلخ‌وش که صوفی اُمُّ الخَبَائِثِش خواند

أشْهَى لَنَا و أَحْلَى مِنْ قُبْلِهِ الْعَذَارَا

هنگامِ تنگدستی در عیشِ کوش و مستی

کاینِ کیمیایِ هستی قارون کند گدا را

سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد

دلبر که در کفِ او موم است سنگِ خارا

آیینۀ سِکندر جامِ می است بنگر

تا بر تو عرضه دارد احوالِ مُلکِ دارا

خوبانِ پارسی گو بخشندگانِ عمرند

ساقی بده بشارتِ رندانِ پارسا را

حافظ به خود نپوشید این خرقة می آلود

ای شیخِ پاکدامنْ معذور دار ما را

شرح و تفسیر غزل شماره ۵ حافظ

دل می رود ز دستم صاحبِ دلانِ خدا را

دردا که رازِ پنهان خواهد شد آشکارا

دردا: الف حرف نده است مانند کلمات واویلا یا واحسرتا در عربی، دردا یعنی حیفا

خواهد شد: یعنی بالاخره این کار می شود

معنی بیت: همانطور که هیچ رازی تا ابد پنهان نمی ماند و فاش می شود ای صاحبِ دلان محض رضای خدا تدبیری کنید دل من هم دارد از دست می رود و رازهای پنهان را فاش می کند.

کشتی نشستگانیم ای باد شرطه برخیز

باشد که بازبینیم دیدار آشنا را

کشتی نشستگان: یعنی طایفه ای که در کشتی شان در دریا حرکت نمی کند. البته در نسخه قزوینی کشتی شکستگانیم ضبط شده است. به این معنی که کشتی دچار آسیب شده است و نگرانی شاعر را از اینکه ممکن است دیگر یار را نبیند نشان می دهد.

باد شرطه: باد موافق

معنی بیت: کشتی ما روی دریا متوقف شده و حرکت نمی کند. ای باد موافق بوز شاید دوباره بتوانیم روی یار را ببینیم.

ده روزه مهر گردون افسانه است و افسون

نیکی به جای یاران فرصت شمار یارا

مهر: هم به معنای خورشید است و هم به معنای محبت. در اینجا به ایهام ذکر شده است

گردون: کنایه از آسمان است

افسانه: داستان و قصه دروغ

افسون: سحر و جادو که مدت کمی اثر دارد

معنی بیت: اینکه روزگار مدتی بر وفق مرادت می چرخد تماما مکر و حيله است و بی اعتبار و بی فایده است. پس ای یار به جای دلخوش کردن به روزگار، نیکی و خوبی در حق دوستان را فراموش مکن.

در حلقه گل و مل خوش خواند دوش بلبل

هات الصبوح هبوا یا ایها السکارا

مل: شراب

دوش: دیشب

هات :به من بده

الصبوح :شرابی است که اول صبح می نوشند و عیوق نام شرابی است که اول شب می خورند

هبوا :بیدار شوید . متنبه گردید

سکارا :سرخوشان . مستان . باده نوشان

معنی بیت :دیشب در مجلس باده گساری بلبل خوب نغمه سرایی کرد که بیدار شوید ای باده نوشان و شراب صبحگاهی را بنوشید

ای صاحبِ کرامتِ شکرانهٔ سلامت

روزی تَفَقَّدی کن درویشِ بی‌نوا را

صاحب کرامت :شخص کریم و صاحب احسان و نیکوکاری . مراد جانان است (در این بیت ممکن است منظور از صاحب کرامت قوام الدین حسن باشد)

شکرانه :شکرانه صدقه ای است که وقتی انسان نمی تواند از عهده شکر آن نعمت برآید می دهد

تَفَقَّدی :رسیدگی به جلال کسی و خاطر او را به دست آوردن . دلجویی کردن

درویش بی نوا :مراد عاشق بیچاره است. (در این بیت ممکن است منظور از درویش بی نوا خود خواجه باشد)

معنی بیت :ای جانان من که صاحب کرامت و احسان هستی، به شکرانه سلامتی خودت از جمیع آفات و بلاها یک روز لااقل حال این عاشق بیچاره را بپرس.

آسایشِ دو گیتی تفسیرِ این دو حرف است

با دوستانِ مُرُوت با دشمنانِ مدارا

گیتی :جهان

مروت :جوانمردی، انصاف، رحم

معنی بیت: کسی که با دشمنان به جوانمردی و با دوستان با مدارا و تحمل رفتار می کند در این جهان رنجی نمی برد.

در کوی نیک نامی ما را گذر ندادند

گر تو نمی پسندی تغییر کن قضا را

گذر: عبور

قضا: حکم خداوند

معنی بیت: از ازل ما را جزو سعدا خلق نکردند که اسم مان به نیکی شهره شود. حال اگر تو این را نمی پسندی کم ازلی خداوند را تغییر بده.

آن تلخ وش که صوفی أمُّ الْخَبَائِثِ خواند

أَشْهَى لَنَا وَ أَحْلَى مِنْ قُبْلِهِ الْعَدَارَا

تلخ وش: مراد شراب است

صوفی: عارف

ام الخبائث: مادر همه پلیدی ها

اشهی: لذیذتر

لنا: برای ما

احلی: شیرین تر

قُبْلَهُ: بوسه

العَدَارَا: دوشیزگان . دختران باکره

معنی بیت: شراب تلخی که عارفان آن را مادر همه بدی ها و پلیدی ها نامیده اند برای ما از بوسه دختران هم شیرین تر و لذیذتر است.

هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی

کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را

عیش: زندگی با خوشی و شادمانی

کیمیا: مایه خوشبختی. مکر و حيله. در باور قدما، ماده‌ای فرضی که به وسیله آن می‌توان هر فلز پست مانند مس را تبدیل به زر کرد؛ اکسیر.

قارون: شخص ثروتمندی که از نزدیکان حضرت موسی است.

معنی بیت: وقتی کسی شراب می‌نوشد در عالم مستی در عین تنگدستی و فقر خود را پادشاه عالم می‌پندارد.

سرکش مشو که چون شمع از غیرت بسوزد

دلبر که در کف او موم است سنگ خارا

سرکش: عاصی

موم: ماده زردرنگ و نرم و بسیار قابل جذب که آن را زنبور عسل حاصل می‌کند و به تازی شمع گویند. اسم فارسی شمع است

خارا: نوعی سنگ سخت سیاه رنگ که به آن گرانبه می‌گویند

معنی بیت: مطیع و منقاد دلبر شو و سرکشی و طغیان مکن. چرا که دلبری که سنگ سخت خارا در دستان او مانند موم نرم است تو را مانند شمع می‌سوزاند می‌گدازد. پس برای وصال جانان ملامت و ملاحظت لازم است نه سرکشی و عصیان

آیینۀ سکندر جام می است بنگر

تا بر تو عرضه دارد احوال مُلکِ دارا

آیینۀ سکندر: آیینۀ ای که بر سر مناره ای در شهر اسکندریه نصب کرده بودند تا کشتی های دشمن را از فاصله دور در آن ببینند. مراد دوربینی است.

جام می: منظور جام جم یا جام غیب نمای جمشید است

دارا: آخرین پادشاه هخامنشی که در مقابل اسکندر شکست خورد. منظور از احوال ملک دارا، عبرت آموزی از شکست دارا است.

معنی بیت: آنچه دل آدمی را مثل آئینه سکندر روشن می کند و به آن بصیرت می دهد جام می است. در جام می نگاه کن تا حوادث تاریخ برای تو روشن شود.

خوبان پارسی گو بخشندگانِ عمرند
ساقی بده بشارت رندانِ پارسا را

بشارت: مژده . نوید

پارسا: عابد

معنی بیت: شعر پارسی به روح آدمی جان تازه می بخشد. ای ساقی به عابدان و زاهدان و مرشدان مژده بده بیایند و ملازم خدمت شریف باشند و از شنیدن کلمات روح افزای آنان جانی تازه بگیرند.

حافظ به خود نپوشید این خرقه می آلود
ای شیخ پاکدامن معذور دار ما را

به خود نپوشید: به اختیار خود نپوشید

خرقه می آلود: لباسی که به می آلوده شده باشد

معنی بیت: ای شیخ عابد و زاهد، عذر و گناه ما بپذیر که من به اختیار خود شراب نوش و باده پرست نشدم

نویسنده: دکتر زند